



بازگشت شازده پسر

نویسنده: الخاندرو گیلر مورونمز

مترجم: ریحانه حسنوی

سرشناسه: رونمرس، الخاندرز گیلر مورروئمز - ۱۹۵۸ - م
Roemmers, Alejandro Guillermo

عنوان و نام پدیدآورنده: بازگشت شازده پسر/ نویسنده: الخاندرز گیلر مورروئمز؛ مترجم: ریحانه حسنوی؛
ویراستار زهرا زنگنه.

مشخصات نشر: قم: آلاچیق کتاب، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص. ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۵۶۸-۴-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Regreso del Joven Principe, 2016.

یادداشت: کتاب حاضر از متن انگلیسی با عنوان "The return of the young prince" به فارسی
برگردانده شده است.

موضوع: داستان‌های نوجوانان آرژانتینی -- قرن ۲۰ م.

موضوع: Young adult fiction, Argentine -- 20th century

شناسه افزوده: حسنوی، ریحانه، ۱۳۷۱ - ، مترجم

رده بندی کنگره: PQ۷۷۹۸/۱۸

رده بندی دیویی: ۸۶۳/۶۴ [ج]

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۰۷۰۳۶



عنوان ■ بازگشت هازده بهار
ناشر ■ آلاچیق کتاب
نویسنده ■ الخاندرو گیلر مورونمز
مترجم ■ ریحانه حسنوی
ویراستار ■ زهرا زنگنه
طراحی جلد و صفحه‌آرایی ■ حامد عطائی فرزانه
شابک ■ ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۵۶۸-۴-۶
چاپ ■ اول ۱۴۰۰
تیراژ ■ ۱۰۰۰ نسخه
چاپ و صحافی ■ بوستان کتاب

آدرس: خیابان انقلاب، خیابان لبافی‌نژاد، بین منیری جاوید و ۱۲ فروردین پلاک ۱۹۱
تلفن: ۶۶۹۶۲۹۵۹ - ۶۶۹۶۲۹۶۰ / همراه: ۰۹۱۲۷۲۳۷۵۰۹

حقوق چاپ و نشر برای انتشارات آلاچیق کتاب محفوظ است.

مقدمه



در دنیایی که با جنگ ویران شده بود و به سرعت باکی و نشاط خود را از دست می داد، آنتوان دو سنت اگزوپری، خلبان شجاع فرانسوی، کتاب شازده کوچولورا نوشت. طولی نکشید که این کتاب تبدیل به نمادی جهانی برای ارزش های ازدست رفته شد. ناراحتی و ناامیدی دو سنت اگزوپری در فضایی که به نظر می رسید در آن بی آلاشی قلب و روح انسانی در حال فراموش شدن است، بیش از هر آتش افروزی دشمن، دلیل ناپدید شدن او در یک مأموریت تفحص در مدیترانه بوده است.

من مانند بسیاری دیگر از افرادی که کتاب شازده کوچولورا

خوانده‌اند، تحت تاثیر پیام اصیل آن قرار گرفتم و مثل دوست
 آگزوپری بسیار ناراحت شدم از اینکه آن کودک، که جایگاه خاصی
 در قلبم پیدا کرده بود، راهی جز بازگشت به سیاره کوچک خود
 نداشت.

مدتی بعد فهمیدم نفرت، عدم تفاهم و اتحاد، دیدگاهی مادی
 پیرامون جهان و سایر عوامل منفی، باعث شده است او نتواند در هر
 صورت در بین ما زندگی کند.

بارها این سوالات را از خودم پرسیده‌ام، همان‌طور که ممکن
 است شما آن‌ها را از خود پرسیده باشید: اگر آن کودک منحصربه‌فرد
 به زندگی در سیاره ما ادامه می‌داد، چه اتفاقی برایش می‌افتاد؟
 نوجوانی او چگونه سیری می‌شد؟ چطور می‌توانست بی‌آلایشی قلب
 خود را حفظ کند؟

سال‌ها طول کشید تا توانستم جواب این سوالات را پیدا کنم
 و شاید این پاسخ‌ها برای من ارزشمند باشند، اما امیدوارم حداقل
 تحسین آن کودک توسط هرکدام از ما را توجیه کنند.

و به این ترتیب مسلم می‌دانم که در ابتدای قرن جدید و در
 هزاره‌ای جدید، با نگرشی مثبت‌تر، پیرامون عصر خودمان این کتاب
 را برای شما بنویسم تا روحیه بانشاطی در شما ایجاد گردد.

اگر انتظار داشتید که عکسی از او ببینید، شرمندهم از اینکه
 این حس کنجکاوی شما را برآورده نکردم؛ سال‌هاست که دیگر در
 سفرهایم به همراه خود دوربین نمی‌برم، به خصوص از زمانی که
 متوجه شدم دوستانم آن قدر روی عکس‌ها تمرکز می‌کنند که دیگر

به داستان‌هایی که برایشان شرح داده می‌شود، توجهی نمی‌کنند. با وجود این، من در این کتاب عکس‌هایی را به نمایش گذاشته‌ام تا احساس نکنید داستان تعریف‌شده بسیار جدی است. پس از تلاش‌های فراوان خود، که نه برای بزرگسالان و نه برای کودکان رضایت‌بخش بود، از پیشتاری پستی^۱ درخواست کردم در بازآفرینی برخی از لحظاتی که آن‌ها را به وضوح به یاد می‌آورم، کمک کند. حواستان باشد که تصورات ذهنی‌تان متأثر از حرف‌های او نباشد، چون او نه در پاتاگونیا بوده و نه پسر مرموز این داستان را دیده است؛ اما شاید حرف‌هایش به شما کمک کند متوجه صحبت‌های من بشوید، درست مانند اینکه شازده کوچولو می‌توانست وجود گوسفند داخل جعبه را درک کند.

در آخر، امیدوارم من را ببخشید که در حین شرح داستان، به بیان تفکرات و باورهای خود پرداخته‌ام. در واقع قصدم این بود که با نوشتن گزارشی دقیق، آن‌ها را تحسین کنم.

اکنون وقتش رسیده است که داستان را به‌طور دقیق برایتان تعریف کنم.

اگر احساس تنهایی می‌کنید و اگر قلب شما بی‌آلایش است و چشم‌هایتان هنوز هم با شگفتی چشمان یک کودک می‌درخشد، شاید در حین خواندن این داستان متوجه شوید ستاره‌ها دارند برای بار دیگر به شما لبخند می‌زنند و می‌توانید صدای آن‌ها را بشنوید، گویا آن‌ها پانصد میلیون زنگ کوچک هستند.

1. Pietari Posti